



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

مرکز تحقیقات اسلامی

سلسله پژوهش های اخلاقی



۵

# خلافت ابوبکر در ترازو نقد

آیت الله عید علی حسینی میلانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نویسنده:

السید علی الحسینی الميلانی

ناشر چاپی:

الحقایق

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	خلافت ابو بکر در ترازوی نقد
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	سرآغاز
۸	پیش گفتار
۹	بخش یکم: مهم ترین دلیل های خلافت ابو بکر
۱۰	بخش دوم: مهم ترین دلیل های فضیلت و برتری ابو بکر
۱۰	دلیل های اهل سنت در برتری ابوبکر
۱۱	دلیل اول
۱۱	دلیل دوم
۱۲	دلیل سوم
۱۲	دلیل چهارم
۱۲	دلیل پنجم
۱۳	دلیل ششم
۱۳	دلیل هفتم
۱۳	دلیل هشتم
۱۳	دلیل نهم
۱۳	دلیل دهم
۱۴	بخش سوم: نارسایی دلیل های ارائه شده در برتری ابو بکر
۱۴	ناتمام بودن دلیل های اهل سنت بر افضلیت ابوبکر
۱۴	نقد و بررسی دلیل اول
۱۶	نقد و بررسی دلیل دوم

- ۱۸ ..... نقد و بررسی دلیل سوم
- ۱۸ ..... نقد و بررسی دلیل چهارم
- ۱۹ ..... نقد و بررسی دلیل پنجم
- ۱۹ ..... نقد و بررسی دلیل ششم
- ۲۱ ..... نکته های قابل توجه در این روایات
- ۲۲ ..... نقد و بررسی دلیل هفتم
- ۲۳ ..... نقد و بررسی دلیل هشتم
- ۲۴ ..... نقد و بررسی دلیل نهم
- ۲۴ ..... نقد و بررسی دلیل دهم
- ۲۵ ..... بخش چهارم: نقد و بررسی دلیل اجماع
- ۲۵ ..... نقد و بررسی دلیل اجماع بر خلافت ابوبکر
- ۲۶ ..... سخن تفتازانی درباره دلایل امامیه
- ۲۷ ..... نقد سخن تفتازانی
- ۲۸ ..... کلام آخر
- ۲۹ ..... کتاب نامه
- ۳۰ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## خلافت ابو بکر در ترازوی نقد

### مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی میلانی ، علی ، ۱۳۲۶ -

عنوان قراردادی : ابطال ما استدل به لامامه ابی بکر. فارسی

عنوان و نام پدیدآور : خلافت ابوبکر در ترازوی نقد/علی حسینی میلانی ؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز حقائق اسلامی .

مشخصات نشر : قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۸۸ ص.

فروست : سلسله پژوهش‌های اعتقادی؛ ۵

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۰۱-۶۲-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۸۱] - ۸۴؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع : ابوبکر، عبدالله بن ابی قحانه، ۵۱ قبل از هجرت - ۱۳ق.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. — اثبات خلافت .

موضوع : امامت.

موضوع : خلافت -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها .

شناسه افزوده : مرکز الحقائق الاسلامیه.

رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۲-ح۵الف ۲۰۴۱ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۷۱۶۰۰

### مقدمه

### سرآغاز

بسم الله الرحمن الرحيم

سرآغاز

... آخرین و کامل ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین

مورد پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند. دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه و آله، با توطئه‌هایی از پیش مهیا شده - مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را - که همچون آفتاب جهان تاب بود - پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرُوبار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف الدین، امینی و... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیاء آثار پُربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظم له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد. امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیه الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد. مرکز حقایق اسلامی

## پیش‌گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين. پیش‌گفتار

با توجه به سلسله پژوهش‌هایی که ارائه شد، برگزیده دلیل‌های امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام را از دیدگاه قرآن کریم، سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عقل بیان کردیم. ما در تمام این موارد از روش دانشمندان علم کلام اهل سنت خارج نشدیم و شرط‌هایی را که آن‌ها درباره امامت معتبر و لازم می‌دانند، رعایت کردیم.

اهل سنت امامت را به اختیار و انتخاب مردم می‌دانند و بر همین اساس برای امام خصوصیات و شرط‌هایی را لازم می‌دانند تا به سبب دارا بودن آن‌ها برای امامت صلاحیت پیدا کند.

ما این نوشتار را طبق همان شروط معتبر و لازم و بر اساس گفتار بزرگان و علمای اهل سنت تحقیق و بررسی کرده و امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام را ثابت نمودیم.

اکنون برای تکمیل آن مطالب، در مورد دلایل اهل سنت بر امامت ابوبکر بحث می‌کنیم، زیرا آن‌سان که ما بر امامت امیر مؤمنان



علیه السلام دلیل‌های متعددی داریم، اهل سنت نیز به نظر خودشان برای امامت ابوبکر دلایلی دارند، لذا به بررسی آن‌ها می‌پردازیم تا ارزش آن‌ها بر حسب معیارهای علمی آشکار گردد.

ما در این نوشتار نیز به آداب و روش بحث و مناظره ملتزم خواهیم بود و بدیهی است که اساس مناظره این گونه است که یا دلیل‌های ارائه شده بایستی مورد قبول هر دو طرف باشد، و یا دلیل هر گروه مورد قبول طرف مقابل باشد، تا به این وسیله بتواند با طرف مقابل مناظره نموده و او را به پذیرش وادارد.

ما در این موضوع بر اساس کتاب‌ها و گفتار دانشمندان اهل سنت به بحث و مناظره می‌نشینیم و به آداب بحث و مناظره، متانت در کلام و عدم تعصب ملتزم هستیم تا روشن شود که دلایل ایشان در خلافت ابوبکر، طبق گفتار علمای آنان نیز تمام و کامل نیست. و اگر چنین باشد پس چگونه می‌توانند ما را به پذیرش دلیل‌هایی وادار کنند که حتی بزرگان خودشان آن‌ها را قبول نداشته و به آن استدلال نمی‌کنند؟!

در این بحث بر مهم‌ترین و مشهورترین کتاب‌های علم عقاید اهل سنت استناد می‌کنیم که عبارتند از: کتاب مواقف در علم کلام، شرح مواقف و شرح مقاصد.

این کتاب‌ها در قرن هشتم و نهم هجری تألیف شده و در حوزه‌های علمی تدریس می‌شده‌اند. اساتید فنّ از اهل سنت شرح‌ها و حاشیه‌های زیادی بر این کتاب‌ها نوشته‌اند.

اگر به کتاب کشف الظنون مراجعه کنید خواهید دید که صاحب کتاب درباره آن سه کتاب چه گفته است، و می‌یابید که حاشیه‌ها و شرح‌های بسیاری بر این کتاب‌ها نوشته شده است.

از طرفی این کتاب‌ها از لحاظ اعتباری محوریت دارند و بقیه کتاب‌ها بر اساس آن‌ها گرد آمده‌اند و همچنین مورد قبول همگان هستند و اهل سنت به آن‌ها استناد و اعتماد می‌کنند.

### بخش یکم: مهم‌ترین دلیل‌های خلافت ابو بکر

بخش یکم

مهم‌ترین دلیل‌های خلافت ابوبکر مهم‌ترین استدلال‌های اهل سنت بر امامت ابوبکر

اکنون مهم‌ترین دلیل‌هایی را که اهل سنت بر امامت ابوبکر ارائه کرده‌اند بررسی می‌کنیم. متن شرح مواقف این گونه است: مقصد چهارم: در مورد امام به حق بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله (۱) است. امامت طبق اعتقاد ما مخصوص ابوبکر است ولی به اعتقاد شیعه امام به حق پس از پیامبر صلی الله علیه و آله علی است.

ما در این موضوع دو راه ارائه می‌نماییم:

۱- راه تعیین امام سخن صریح پیامبر است.

۲- راه تعیین امام اجماع مردم است.

اما درباره امامت بعد از پیامبر سخنی از خدا و رسولش دیده نشده است (۲) و اما اجماع نیز بر غیر ابوبکر - که امت اتفاق کرده‌اند - نداریم.

فقط بر حقیقت امامت سه نفر اجماع تحقق می‌یابد: ابوبکر، علی و عباس (۳). سپس آن دو نفر [علی و عباس] به جهت این که مخالفتی با ابوبکر نکردند پس اگر ابوبکر بر حق نبود به طور حتم آن‌ها با او منازعه می‌کردند.

بنا بر این دلیل امامت ابوبکر از طریق اجماع، کامل و تمام می‌شود (۴).

در این استدلال اعتراف شد که کلام صریحی از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد امامت ابوبکر یافت نشده است. از این رو

نخستین دلیل بر امامت ابوبکر، همان اجماع و نبودن سخن صریح از رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

نویسنده شرح مقاصد در بحث سوم در راه های ثبوت امامت می گوید:

راه تعیین امام یا سخن صریح است، یا اختیار امت (۵). اما سخن صریح در حق ابوبکر موجود نیست، ولی او با اتفاق و اجماع مردم به امامت نصب شده است (۶).

پس آشکار شد که درباره امامت ابوبکر کلام صریحی از پیامبر صلی الله علیه و آله نرسیده و تنها دلیل بر امامت او همان اجماع و اتفاق امت است.

راه سومی که اهل سنت در این زمینه مطرح می کنند راه افضلیت است. لذا همان گونه که ما از افضلیت بحث می کنیم آن ها نیز بحث می کنند، ولی در این مورد آن ها اختلاف نظر دارند، بعضی افضلیت را برای دارنده مسند امامت شرط می دانند و بعضی هم منکر آن هستند.

بنا بر این کسی که اعتبار افضلیت را در امام انکار می کند، اصراری بر افضل و برتر بودن ابوبکر ندارد، مثل فضل بن روزبهان زولی کسی که افضلیت را در امام معتبر می داند ناگزیر است که بر افضلیت و برتر بودن ابوبکر اصرار ورزد، چرا که چنین کسی به امامت ابوبکر معتقد است.

از کسانی که افضلیت را در امام معتبر می داند ابن تیمیه است و به خاطر همین مطلب اصرار دارد که ابوبکر از همه اصحاب برتر است و آن چه را که امامیه بر افضلیت و برتری علی علیه السلام استدلال کرده اند تکذیب می کند. (۱) علی رغم این که در منابع اهل سنت درود و صلوات پس از نام مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به صورت ناقص (ابتر) آمده است، ما طبق فرمایش حضرتش، درود و صلوات را به صورت کامل آورده ایم.

(۲) نویسنده شرح مواقف در این فراز اعتراف می کند که هیچ روایتی درباره امامت ابوبکر وجود ندارد؛ گرچه ادعا می کنند که برای امامت علی علیه السلام نیز هیچ روایتی وجود ندارد.

(۳) منظور این است که این شبهه بین این سه نفر منحصر می شود.

(۴) شرح المواقف: ۸ / ۳۵۴.

(۵) جالب توجه این که نویسنده کتاب مواقف می گوید: اجماع، و شارح کتاب مقاصد می گوید اختیار. و معنای این دو واژه متفاوت است که در جای خود توضیح داده خواهد شد.

(۶) شرح المقاصد: ۵ / ۲۵۵.

## بخش دوم: مهم ترین دلیل های فضیلت و برتری ابوبکر

### دلیل های اهل سنت در برتری ابوبکر

بخش دوم

مهم ترین دلیل های فضیلت و برتری ابوبکر دلیل های اهل سنت در برتری ابوبکر در کتاب مواقف و شرح مواقف چنین آمده است:

مقصد پنجم: درباره برترین مردم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله است. ما و بیشتر علمای پیشین معتزله ابوبکر را برتر می دانیم و به اعتقاد شیعه و بیشتر علمای متأخر معتزله، علی برترین فرد پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است (۱).

بنا بر آن چه که پیش تر گفتیم، روشن شد که دلایل اهل سنت بر امامت ابوبکر اجماع و افضلیت است، البته اگر افضلیت او را معتبر

بدانند و هیچ حدیث و سفارشی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر امامت ابوبکر نداشته باشند. ما در اثبات امامت امیر مؤمنان علی علیه الصلاة والسلام از هر سه طریق (نص صریح پیامبر صلی الله علیه و آله، اجماع و افضلیت) می‌توانیم به نتیجه برسیم اما این جا از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌کنیم. آنان اعتراف می‌کنند که هیچ حدیث و کلام صریحی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر امامت ابوبکر وجود ندارد. بنا بر این بر امامت ابوبکر فقط دو طریق ادعای افضلیت و اجماع باقی می‌ماند. اینک دلیل‌هایی را که در مورد افضلیت ابوبکر ارائه کرده‌اند بررسی می‌کنیم: (۱) شرح المواقف: ۸ / ۳۶۵.

## دلیل اول

### دلیل اول

اولین دلیلی که برای برتری ابوبکر استدلال شده آیه ای از قرآن است. آن جا که خداوند متعال می‌فرماید: (وَسَيُجِزِيهَا الْأَتَقَى \* الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى \* وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى) (۱). «به زودی باتقواترین مردم از آن [آتش سوزان] دور داشته می‌شود. همان کسی که مال خود را می‌بخشد تا پاک شود و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد او را جزا دهد».

نویسنده شرح مواقف می‌گوید:

بیشتر مفسران گفته‌اند - و دانشمندان نیز به این سخن تکیه کرده‌اند - که این آیه در شأن ابوبکر نازل شده است. او باتقواترین مردم است و کسی که تقوایش از همه بیشتر باشد در نزد خدا گرامی تر است، زیرا خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) (۲).

«همانا گرامی‌ترین شما در نزد خداوند، باتقواترین شماست».

از این رو ابوبکر در پیشگاه خداوند سبحان بافضلیت‌ترین مردم است.

از طرفی، شکی نیست کسی که در نزد خدا گرامی تر و بافضلیت تر است. چنین فردی باید بعد از رسول خدا امام و پیشوای مردم باشد و این مطلبی است که اشکالی در آن نیست. پس ابوبکر از همه اصحاب برتر است و کسی که بر همه امت فضیلت و برتری دارد، همان برای خلافت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله معین شده است (۳). (۱) سوره لیل: آیه‌های ۱۷ - ۱۹. (۲) سوره حجرات: آیه ۱۳.

(۳) شرح المواقف: ۸ / ۳۶۵.

## دلیل دوم

### دلیل دوم

دومین دلیل بر افضلیت و برتری ابوبکر سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید:

«إِقْتَدُوا بِاللَّذِينَ مِنْ بَعْدِي أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ» (۱).

«پس از من به دو نفر اقتدا کنید: ابوبکر و عمر».

واژه «اقتدوا» فعل امر است از سویی تمام مسلمانان مورد خطاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستند و این خطاب شامل علی هم می‌شود. پس او هم مأمور است که به شیخین (ابوبکر و عمر) اقتدا کند. بنا بر این بر علی واجب است که بر آن دو اقتدا کند و کسی که دیگران به او اقتدا می‌کنند همان امام و پیشواست.

اهل سنت این حدیث نبوی را در کتاب هایشان روایت کرده اند. از این رو، این سخن پیامبر دلیل بر امامت ابوبکر خواهد بود و خلافت عمر فرع خلافت ابوبکر است. اگر خلافت ابوبکر ثابت شود خلافت عمر نیز ثابت خواهد شد. گرچه اکنون درباره خلافت عمر نقد و بررسی نمی کنیم. (۱) مسند احمد: ۵ / ۳۸۲، ۳۸۵، صحیح ترمذی: ۵ / ۵۷۲، مستدرک حاکم: ۳ / ۷۵.

### دلیل سوم

#### دلیل سوم

سومین دلیل برای برتری ابوبکر، حدیثی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که حضرتش به ابی الدرداء فرمود:

«والله ما طلعت شمس ولا غربت بعد النبيين والمرسلين على رجل أفضل من أبي بكر».

«به خدا سوگند! بعد از پیامبران، خورشید بر مردی بهتر از ابوبکر طلوع و غروب نکرده است» (۱).

در حقیقت این حدیث صلاحیت دارد که بر امامت ابوبکر صراحت و تأکید داشته باشد و با این حدیث، ابوبکر از علی علیه السلام افضل و برتر خواهد بود و عقل نیز مقدم کردن انسان معمولی را بر صاحب فضیلت و یا مقدم کردن صاحب فضیلت را بر کسی که فضیلتش بیشتر است قبیح می داند. پس تنها کسی که باید بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله به خلافت برسد ابوبکر است. (۱) کنز العمال: ۱۱ / ۵۵۷، تاریخ بغداد: ۱۲ / ۴۳۳، تاریخ مدینه دمشق: ۳۰ / ۲۰۸.

### دلیل چهارم

#### دلیل چهارم

چهارمین دلیل روایتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ابوبکر و عمر بیان کرد، آن جا که فرمود:

«هما سيدا كهول أهل الجنة ما خلا النبيين والمرسلين» (۱).

«ابوبکر و عمر غیر از پیامبران و رسولان، آقای پیرمردان اهل بهشت می باشند».

کسی که آقا و بزرگ قومی شد، امام و پیشوای آن ها نیز خواهد بود یعنی دیگران باید به او اقتدا کرده و از او پیروی کنند و علی نیز چون از همان قوم بوده، باید از ابوبکر و عمر تبعیت کند، چرا که آنان آقای پیرمردان اهل بهشت هستند. (۱) تاریخ مدینه دمشق: ۳ / ۱۷۱، سنن ترمذی: ۵ / ۲۷۲ و ۲۷۳، المصنّف: ۷ / ۴۷۳.

### دلیل پنجم

#### دلیل پنجم

پنجمین دلیل سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود:

«ما ينبغي لقوم فيهم ابوبكر أن يتقدم عليه غيره» (۱).

«گروهی که ابوبکر در میان آن هاست، شایسته نیست کسی بر او مقدم شود».

بنا بر این، جایز نیست کسی خود را بر ابوبکر مقدم کند و این شامل علی نیز می شود.

پس بر علی جایز نیست که بر ابوبکر مقدم شود و هیچ کس حق ندارد ادعا کند که علی بر ابوبکر مقدم است زیرا این کلام، مخالف با سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله است. (۱) سنن ترمذی: ۵ / ۲۷۶، الکامل: ۵ / ۲۴۰.

**دلیل ششم**

## دلیل ششم

ششمین دلیل رفتاری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ابوبکر انجام داد. آن حضرت در نماز جماعت - که بهترین عبادت هاست - ابوبکر را مقدم فرمود، از این رو ابوبکر در زمان بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله در محراب آن حضرت با مردم نماز خواند و نمازی که ابوبکر در آن شرایط خواند - بنا بر آن چه روایت کرده اند - به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. پس اگر کسی در جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله نماز بخواند و به امر ایشان امام جماعت مسلمانان شود، صلاحیت دارد که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز امام و پیشوای مسلمانان باشد.

**دلیل هفتم**

## دلیل هفتم

هفتمین دلیل سخنی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد شیخین بیان نمود، آن جا که فرمود: «خیر اُمّتی ابوبکر ثم عمر» (۱). «بهترین اُمّت من، ابوبکر و پس از او عمر می باشند». این حدیثی است که اهل سنت در کتاب هایشان آن را روایت کرده اند. (۱) تاریخ مدینه دمشق: ۳۰ / ۳۷۶.

**دلیل هشتم**

## دلیل هشتم

هشتمین دلیل سخنی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره دوستی با ابوبکر بیان کرده، آن جا که فرمود: «لو كنت متخذاً خليلاً دون ربّي لاتخذت ابوبكر خليلاً» (۱). «اگر بعد از پروردگارم دوستی برای خود برمی گزیدم، البته ابوبکر را به عنوان دوست برمی گزیدم». (۱) مسند احمد: ۱ / ۴۱۲، ۴۳۲، ۴۳۹ و ۴ / ۴ و ۵، صحیح بخاری: ۴ / ۱۹۱، صحیح مسلم: ۷ / ۱۰۸ و ۱۰۹.

**دلیل نهم**

## دلیل نهم

نهمین دلیل سخنی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حضور ابوبکر ابراز کرده، آن جا که فرمود: «وَأين مثل أبي بكر كذّبنی الناس وصدّقنی وآمن بی وزوّجنی ابنته و جهّزنی بماله وّ وّاسانی بنفسه وجاهد معی ساعة الخوف» (۱). «کجاست همانند ابوبکر آن گاه که مردم مرا تکذیب می کردند، او مرا تصدیق کرد، به من ایمان آورد، دخترش را به ازدواج من درآورد، با جان و مالش مرا یاری کرد و با من در ساعت تنهایی و ترس در جبهه جنگ جهاد کرد». (۱) تاریخ مدینه دمشق: ۳۰ / ۱۱۰، ۱۵۵.

**دلیل دهم**

## دلیل دهم

دهمین دلیل گفتار علی علیه السلام است، آن جا که فرمود:

«خیر الناس بعد النبیین ابوبکر ثم عمر ثم الله أعلم» (۱).

«بعد از پیامبران ابوبکر و پس از او عمر بهترین مردم هستند و پس از آن دو نفر، خدا داناتر است» (۲)!!

آن چه بیان شد، دلایلی بود که اهل سنت بر افضلیت و برتری ابوبکر آورده اند. این دلیل ها در مدارک معتبری از جمله کتاب های فخر رازی، و کتاب های الصواعق المحرقة، شرح مواقف، شرح مقاصد آمده است.

البته دلیل های مذکور در بیشتر کتاب های علمای اهل سنت چه در گذشته و چه در عصر حاضر وجود دارد. معتزله نیز در استدلال به این دلایل، با اشاعره مشارکت دارند، مگر علمای معتزله ای که در دوران اخیر هستند که آن ها معتقد به افضلیت و برتری ابوبکر نیستند، آنان علی علیه السلام را از دیگر صحابه برتر می دانند ولی می گویند: مصلحت اقتضا می کرد که در امر امامت، ابوبکر بر علی مقدم شود. (۱) کنز العمال: ۱۳ / ۸، تاریخ مدینه دمشق: ۳۰ / ۳۵۱.

(۲) شایان یادآوری است که ما در مقابل ترجمه عبارات مندرج در منابع آن ها که محل تأمل و دقت نظر می باشند، علامت (!!) را نهاده ایم.

## بخش سوم: نارسایی دلیل های ارائه شده در برتری ابوبکر

### ناتمام بودن دلیل های اهل سنت بر افضلیت ابوبکر

بخش سوم

نارسایی دلیل های ارائه شده در برتری ابوبکر ناتمام بودن دلیل های اهل سنت بر افضلیت ابوبکر

آن چه بیان شد دلیل های اهل سنت بر افضلیت ابوبکر بود، حال اگر کسی بپرسد که از میان دلیل های یاد شده، مهم ترین دلیل آن ها چیست، در پاسخ او می گوئیم: از میان ده دلیل ذکر شده، ماجرای نماز خواندن ابوبکر بر مردم، و حدیث:

«اقتدوا باللذین من بعدی ابی بکر و عمر».

«بعد از من به ابوبکر و عمر اقتدا کنید».

از همه آن ها مهم ترند، ولی ما یکایک این دلیل ها را بر اساس روایات و نظریات دانشمندان اهل سنت مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

### نقد و بررسی دلیل اول

نقد و بررسی دلیل اول

نخستین دلیلی که ارائه شد گفتار خداوند متعال بود، آن جا که می فرماید:

«وَسَيُجِزُّهَا لِأَتَقَى \* الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى \* وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى» (۱)

«به زودی باتقواترین مردم از آن (آتش جهنم) دور داشته می شود، همان کسی که مال خود را می بخشد تا پاک شود و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد او را جزا دهد».

این یک آیه قرآنی است. ما در بحث های گذشته، درباره آیاتی که مربوط به امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام بود این گونه یادآور شدیم: دلالت این آیه بر امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام به این بستگی دارد که با دلیل معتبر ثابت کنیم که این آیه در شأن و منزلت علی علیه السلام نازل شده است، وگرنه این آیه نیز، آیه ای از آیات قرآنی است که هیچ نامی از حضرت علی علیه

السلام و غیر ایشان در آن برده نشده است.

بنا بر این، استدلال به این آیه بستگی به مقدّماتی دارد تا بر امامت ابوبکر دلالت نماید:

الف - استدلال به این آیه برای امامت ابوبکر منوط بر این است که تمام دلیل‌هایی که بر معصوم بودن امیر مؤمنان علی علیه السلام اقامه شده است از اعتبار ساقط شوند. زیرا شخص معصوم در نزد خدای سبحان گرامی‌تر از کسی است که مالش را در راه خدا می‌بخشد.

بنا بر این، اگر این آیه درباره ابوبکر نازل شده باشد، استدلال به آن بستگی دارد بر باطل کردن ادله‌ای که امامیه بر عصمت امیر مؤمنان علی علیه السلام اقامه کرده‌اند، و گرنه اگر یکی از آن ادله ثابت شود، مقام و منزلت علی علیه السلام نزد خدا بالا-تر و گرامی‌تر خواهد بود و استدلال به این آیه برای امامت ابوبکر باطل خواهد شد.

ب - استدلال به این آیه بر گرامی‌تر بودن ابوبکر نزد خداوند، آن‌گاه تمام خواهد بود که ادله‌ای که بر افضلیت امیر مؤمنان علی علیه السلام اقامه شده است تمام نباشد، و گرنه آن ادله صحیح و تمام، با احادیثی که در تفسیر این آیه و دلالت آن بر گرامی‌تر بودن ابوبکر وجود دارد، معارض خواهند بود و هر دو حجّت خواهند بود و پس از تعارض هر دو ساقط خواهند شد و لذا این آیه دلالتی بر امامت ابوبکر نخواهد کرد. البته به شرط آن که استدلال به این دلایل صحیح باشد و احادیث مربوط به آیه حجّت داشته باشد.

از مواردی که نیاز به استدلال و دلیل ندارد این است که:

علی علیه السلام هرگز بر هیچ بئی سجده نکرده، ولی ابوبکر بر بُت سجده کرده است. و به همین دلیل است که اهل سنت هنگامی که نام علی علیه السلام را ذکر می‌کنند، می‌گویند: «کَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ» یعنی خداوند روی او را گرامی دارد و همین اقتضا می‌کند که علی علیه السلام در پیشگاه خداوند سبحان گرامی‌تر از دیگران باشد.

ج - استدلال به این آیه مبارکه به این بستگی دارد که آیه قطعاً در شأن ابوبکر نازل شده باشد و حال آن که مفسّران در تفسیر آیه اختلاف نظر دارند و سه نظریه درباره آن ذکر کرده‌اند:

نظریه یکم: آیه برای عموم مؤمنان است و اختصاص به یک مؤمن ندارد.

نظریه دوم: آیه درباره قصه ابودحداح و مردی که صاحب درخت خرما بود نازل شده است، که در تفسیر در المنثور آمده است و هیچ ارتباطی به امامت ابوبکر ندارد.

نظریه سوم: آیه در شأن ابوبکر نازل شده است.

بنا بر این، امکان نزول آیه درباره ابوبکر، یکی از نظریات سه‌گانه است، و همین نظریه نیز بستگی دارد به این که سند این روایت صحیح باشد، و اگر سند آن تمام نباشد، استدلال به این آیه درباره ابوبکر باطل خواهد شد.

حال شما را با سند این روایت و تصریحی که به ضعف آن شده است، آشنا می‌سازیم:

این روایت را طبرانی نقل کرده است و حافظ هیشمی در مجمع الزوائد پس از نقل طبرانی می‌گوید:

در سند این روایت، مصعب بن ثابت است و او از نظر نقل حدیث ضعیف است (۲).

پس نظریه سوم که یکی از نظریات سه‌گانه بود، به این روایت استناد دارد و چون این روایت ضعیف است آن نظریه نیز از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

از طرفی مصعب و فرزندان زبیر همان گونه که در کتاب‌های مفصل بیان شده است، از اهل بیت علیهم السلام منحرف بودند. یحیی بن معین، احمد بن حنبل و ابوحاتم، مصعب را ضعیف شمرده‌اند.

نسایبی در مورد او می‌گوید: مصعب از نظر نقل حدیث قوی نیست. البته دیگر دانشمندان نیز درباره او سخنانی گفته‌اند (۳).

حال چگونه می‌توان برای گرامی‌تر بودن و افضلیت ابوبکر به آیه‌ای استدلال کرد که در تفسیر آن اولاً سه نظر مختلف وجود دارد، ثانیاً نظری که می‌گوید آیه در شأن ابوبکر است به روایتی ضعیف استدلال کرده است؟ افزون بر این، باز هم تکرار می‌کنیم که اقامه این استدلال بستگی دارد به این که ادله امامیه بر افضلیت و برتری امیر مؤمنان علی علیه السلام و امامت آن حضرت، تمام نباشد. (۱) سوره لیل: آیات ۱۷ - ۱۹.

(۲) مجمع الزوائد: ۹ / ۵۰.

(۳) تهذیب التهذیب: ۱۰ / ۱۴۴.

## نقد و بررسی دلیل دوم

### نقد و بررسی دلیل دوم

دومین دلیل آن‌ها حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است آن‌جا که می‌فرماید:

«اقتدوا باللذین من بعدی اَبی بکر و عمر».

«بعد از من به ابوبکر و عمر اقتدا کنید».

این حدیث از بهترین دلیل‌هایی است که اهل سنت برای امامت ابوبکر و عمر به آن استناد می‌کنند و در کتاب‌های کلامی و اصولی به آن استدلال می‌نمایند. آن‌ها با استناد به این حدیث اتفاق نظر ابوبکر و عمر را در هر امری حجت می‌دانند و با تکیه بر این حدیث، حجت بودن سیره و روش ابوبکر و عمر را ثابت می‌کنند.

بنا بر این، حدیث از اهمیت خاصی برخوردار است به خصوص که احمد بن حنبل در مُسند، ترمذی در صحیح و حاکم در مستدرک آن را نقل کرده‌اند (۱). از این رو، این حدیث در کتاب‌های معتبر و مشهور آمده است و آن‌ها در بحث‌های مختلف به آن استدلال می‌کنند.

یادآوری می‌کنیم که اگر پژوهشگری منصف سندهای این حدیث را بررسی کند و با دقت و ژرف نگری نظریات دانشمندان اهل سنت را درباره حالات کسانی که این حدیث را روایت کرده‌اند کاوش نماید ملاحظه خواهد کرد که تمام کسانی که این حدیث را روایت کرده‌اند، افرادی ضعیف هستند؛ این مطلب آن قدر آشکار است که بزرگان علمای اهل سنت نیز بسیاری از راویان این حدیث را ضعیف شمرده و با انواع جرح و تعدیل‌های رجال‌شناسی کاستی‌های آن‌ها را بیان کرده‌اند.

ما برای هموار کردن این راه، و دسترسی آسان پژوهشگران به نظریات آنان خلاصه‌ای از سخنان دانشمندان اهل سنت را درباره راویان این حدیث بیان می‌کنیم.

مناوی در کتاب فیض القدر فی شرح الجامع الصغیر (۲) در شرح این حدیث می‌گوید:

ابوحاتم این حدیث را نپذیرفته و آن را علیل شمرده و گفته است: بزار همانند ابن حزم این حدیث را صحیح نمی‌داند (۳).

طبق این نقل، سه تن از بزرگان اهل سنت یعنی ابوحاتم، ابوبکر بزار و ابن حزم اندلسی این حدیث را رد کرده‌اند.

از طرفی ترمذی که این حدیث را در کتابش به بهترین طریق آن نقل کرده است با صراحت راویان، آن را ضعیف می‌شمارد (۴).

از سوی دیگر اگر به کتاب الضعفاء الکبیر ابی جعفر عقیلی مراجعه کنید خواهید دید که او این گونه اظهار نظر کرده است:

این حدیث انکار شده است و هیچ اصل و اساسی ندارد (۵).

نگارنده میزان الاعتدال به نقل از ابوبکر نقاش می‌گوید: این حدیث بی ارزش است (۶).

دارقطنی که در نقل احادیث لقب امیرالمؤمنین را در قرن چهاردهم هجری به خود اختصاص داده است درباره این حدیث می‌گوید:

این حدیث ثابت نیست (۷).



علاّمه عبری فرغانی - در گذشته سال ۷۴۳ - در شرحی که بر کتاب منهج بیضاوی نگاشته است می گوید: این حدیث، جعلی است (۸).

حافظ ذهبی در میزان الاعتدال در موارد مختلفی این حدیث را نقل می کند، آن گاه آن را تکذیب و باطل می سازد (۹). وقتی که به تلخیص مستدرک مراجعه می کنیم، ملاحظه می نمایم که حاکم پس از نقل این حدیث می گوید: به طور جدّ سند این حدیث بی ارزش است (۱۰).

همیشی در مجمع الزوائد این حدیث را از طریق طبرانی نقل می کند و می نویسد: در سند این حدیث کسانی هستند که آن ها را نمی شناسم (۱۱).

ابن حجر عسقلانی حافظ و شیخ الإسلام نیز در لسان المیزان در موارد متعددی این حدیث را ذکر کرده و در هر بار به سقوط آن حکم کرده است (۱۲). همچنین علمای قرن دهم هجری همانند شیخ الإسلام هروی در کتاب الدر النضید من مجموعه الحفید - که در دسترس است - می گوید: این حدیث، جعلی است (۱۳).

ابن درویش حوت نیز در کتاب أسنی المطالب فی احادیث مختلفه المراتب این حدیث را آورده است و نظرهایی را که علما درباره ضعف و بطلان این روایت ابراز داشته اند ذکر کرده است (۱۴).

جالب این است که حافظ ابن حزم اندلسی در استدلال به این حدیث سخن مهمی را بیان می کند، وی می گوید: اگر تدلیس و یا بیان امری را که اگر دشمنان ما به آن دست می یافتند، از خوشحالی پرواز می کردند یا از ناراحتی ساکت و مبهوت می شدند جایز می دانستیم، به طور قطع به این روایتی که نقل شده است احتجاج می کردیم که حضرتش فرموده باشد: «پس از من به آن دو - یعنی ابوبکر و عمر - اقتدا کنید» ولی این حدیث صحیح نیست و خداوند ما را از احتجاج و استدلال به آن چه صحیح نیست در امان دارد (۱۵).

بنا بر آن چه گفته شد، شایسته نیست برای مباحث امامت به این حدیث استدلال شود، خواه از جانب امامیه باشد یا از اهل سنت؛ حتی اگر ما نیز بخواهیم برای امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام به چنین احادیثی که عموم دانشمندان آن را رد کرده و باطل می دانند، استدلال کنیم هرگز نمی توانیم بر اهل سنت احتجاج کرده و برای اثبات امامت دلیل بیاوریم و در هیچ مورد نمی توان به چنین حدیثی استدلال کرد.

برخی از اهل سنت اگر چه می دانند که این حدیث از درجه اعتبار ساقط است و ارزشی ندارد اما وقتی آن را از لحاظ دلالت و معنا برای اثبات امامت ابوبکر مفید می بینند از روی ناچاری و به دروغ، آن را به شیخین و یا به دو کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری نسبت می دهند.

به عنوان نمونه قاری در کتاب شرح الفقه الاکبر الی صحیحی البخاری والمسلم این حدیث را به کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری نسبت می دهد با این که این حدیث در آن دو کتاب موجود نیست، و اگر چه آن ها اعتراف کرده اند که این حدیث باطل است ولی این گروه غافلند از این که روزی مردم به کتاب های آن ها مراجعه می کنند و مطالب آن را تحقیق و بررسی خواهند کرد.

از طرفی چگونه ممکن است که رسول خدا صلی الله علیه وآله به مردم امر کند که به ابوبکر و عمر اقتدا کنید با این که آن دو نفر در بسیاری از موارد با هم اختلاف نظر داشتند.

به راستی مسلمانان باید به چه کسی اقتدا کنند؟

چگونه رسول خدا صلی الله علیه وآله امر می کند که به آن دو اقتدا کنید با آن که صحابه پیامبر صلی الله علیه وآله در بسیاری از گفته ها و عملکردهای ابوبکر و عمر با آن ها مخالفت می کردند؟

آیا می‌توانیم بگوییم همه کسانی که با ابوبکر و عمر مخالفت کرده اند فاسق هستند؟ (۱) مُسند احمد: ۵ / ۳۸۲، ۳۸۵، صحیح ترمذی: ۵ / ۵۷۲، مستدرک حاکم: ۳ / ۷۵.

(۲) ما پیش تر یاد آور شدیم که برای آگاهی و بررسی سند‌های این حدیث ناگزیریم به منابعی که آن را شرح و توضیح داده اند و کتاب‌هایی که در شرح احادیث نگاشته شده است - از قبیل: المرقات، فیض القدير، شروح الشفاء قاضی عیاض و نظایر این‌ها، مراجعه نماییم.

(۳) فیض القدير: ۲ / ۵۶.

(۴) صحیح ترمذی: ۵ / ۵۷۲.

(۵) الضعفاء الكبير: ۴ / ۹۵.

(۶) میزان الاعتدال: ۱ / ۱۴۲.

(۷) لسان المیزان: ۵ / ۲۳۷.

(۸) شرح المنهاج: مخطوط.

(۹) میزان الاعتدال: ۱ / ۱۰۵، ۱۴۱ و ۴۳ / ۶۱۰.

(۱۰) تلخیص المستدرک: ۳ / ۷۵.

(۱۱) مجمع الزوائد: ۹ / ۵۳.

(۱۲) لسان المیزان: ۱ / ۱۸۸، ۲۷۲ و ۵ / ۲۳۷.

(۱۳) الدرر النضید من مجموعۀ الحفید: ۹۷.

(۱۴) اسنی المطالب فی أحادیث مختلفۀ المراتب: ۴۸.

(۱۵) فصلی در ملل و نحل: ۴ / ۸۸.

### نقد و بررسی دلیل سوم

نقد و بررسی دلیل سوم

سومین دلیل حدیثی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله به ابی الدرداء فرمود: «آفتاب بعد از پیامبران و رسولان بر هیچ مردی بهتر از ابوبکر طلوع و غروب نکرده است».

این حدیث نزد اهل سنت به شدت ضعیف است. طبرانی آن را در اوسط با سندی روایت کرده است که هیشمی درباره آن می‌گوید: در سند حدیث، اسماعیل بن یحیی تیمی است و او مردی دروغگوست.

هیشمی همین حدیث را در مجمع الزوائد با سند دیگری از طبرانی روایت کرده و می‌گوید: یکی از راویان این حدیث بقیه بن الولید است و او مردی ضعیف و حيله گر است (۱).

از این رو، این حدیث در نزد علمای علم رجال اعتبار و ارزشی ندارد. (۱) مجمع الزوائد: ۹ / ۴۴.

### نقد و بررسی دلیل چهارم

نقد و بررسی دلیل چهارم

یکی دیگر از دلیل‌های اهل سنت بر برتری ابوبکر سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است که فرمود: «ابوبکر و عمر آقای پیرمردان اهل بهشت هستند».

این حدیث را بزّار و طبرانی از ابی سعید روایت کرده اند، و آن گاه که هیشمی این حدیث را از آن دو در مجمع الزوائد روایت می کند، می گوید: یکی از راویان این حدیث، علی بن عابس است که او در نقل حدیث ضعیف است. هیشمی در مورد دیگر این حدیث را از بزّاز از عییدالله بن عمر نقل کرده و درباره یکی از راویان آن به نام عبدالرحمان ملک می گوید: به قول او عمل نمی شود (۱).

ناگفته نماند که برای این حدیث غیر از این دو سند، سند دیگری نزد هیشمی وجود ندارد. (۱) مجمع الزوائد: ۵۳ / ۹.

### نقد و بررسی دلیل پنجم

نقد و بررسی دلیل پنجم

اهل سنت به عنوان پنجمین دلیل به این حدیث استدلال کرده اند که حضرتش فرموده است: «در اجتماعی که ابوبکر در میان آن هاست سزاوار نیست غیر از او کسی بر دیگران مقدم شود».

در ردّ این دلیل بهره خوبی که نصیب ما شده این است که حافظ ابن جوزی این حدیث را در کتاب الموضوعات آورده و بعد چنین گفته است: این حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله جعل شده است (۱).

از آن جا که فتوهای ابن جوزی برای کسانی مثل ابن تیمیّه و امثال او معتبر است، بایستی این گفتار او نیز درباره این حدیث حجت و معتبر باشد. (۱) کتاب الموضوعات: ۳۱۸ / ۱.

### نقد و بررسی دلیل ششم

نقد و بررسی دلیل ششم

ششمین دلیل اهل سنت نماز ابوبکر است. این دلیل به دو جهت، مهم است:

اول: روایت نماز ابوبکر در صحیح مسلم و صحیح بخاری به سندهای مختلف آمده است و در مسندها، سنن ها و بیشتر کتاب های معتبر و مشهور آنان ذکر شده است.

دوم: نماز بافضیلت ترین عبادات است. حال اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال بیماری خویش و در واپسین لحظه های زندگیشان ابوبکر را برای اقامه نماز جماعت بفرستد، دلیلی است که آن حضرت می خواست او را به عنوان نامزد خلافت پس از خود معرفی کند.

بنا بر این حدیث مورد نظر درباره نماز ابوبکر در جایگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از بهترین دلیل هایی است که می توان بر امامت ابوبکر اقامه کرد. و اگر شما به کتاب های اهل سنت مراجعه کنید، خواهید دید که آن ها برای این حدیث اهمیت بسیاری قائل هستند و نخستین و محکم ترین دلیلی که برای امامت ابوبکر استدلال می کنند، همین حدیث نماز ابوبکر است.

آن ها این حدیث را از عدّه ای از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند، نخستین راوی آن عایشه دختر ابوبکر است ولی اگر شما در سندهایی که آورده اند، تأمل کنید خواهید دید که این حدیث را از اشخاصی مجهول و ناشناس روایت کرده اند، یا خبر را از عایشه شنیده اند و او واسطه نقل این روایت است.

بنا بر این تمام سندهای این روایت به عایشه برمی گردد و او نیز در نقل این روایت به دو سبب مورد اتهام است:

۱- مخالفت او با علی علیه السلام.

۲- این که او دختر ابوبکر است.

با چشم پوشی از مخالفت او با علی علیه السلام، اگر به خصوصیات این واقعه و شواهدی که در متن روایت وجود دارد، و همچنین

شواهدی که مربوط به این قضیه است با دقت بنگریم، به خوبی خواهیم دید که فرستادن ابوبکر برای نماز، از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده، بلکه عایشه از طرف خود پدرش را برای نماز فرستاده است.

مهم ترین شاهد بر این امر - که تأثیر به سزایی در فهم این قضیه دارد - فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله برای خروج اصحابش از مدینه به همراه اسامه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا لحظه پایانی زندگی خویش اصرار داشتند که آن ها با سپاه اسامه از مدینه بیرون بروند.

در مورد تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر فرستادن اسامه تا لحظه آخر زندگانشان هیچ اختلافی نیست و کسی در این مورد مخالفت نکرده است و این موضوع در کتاب های ما و کتاب های اهل سنت بیان شده است.

از طرفی درباره تأکید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر شرکت بزرگان اصحاب مثل ابوبکر و عمر در لشکر در اسامه نیز اختلافی نیست و در کتاب های معتبری که این روایت را نقل کرده اند ثابت است. حال چگونه رسول خدا صلی الله علیه و آله تا پایان عمر شریفش به ابوبکر امر می کند که در لشکر اسامه حاضر شود و از مدینه بیرون برود و از طرف دیگر به او دستور می دهد در مکان خودش نماز بخواند؟

به همین جهت افرادی مثل ابن تیمیّه ناگزیر شده اند که وجود ابوبکر را در لشکر اسامه انکار کنند و بگویند که چنین امری دروغ است، چون می دانند که وجود ابوبکر در لشکر اسامه به معنای دروغ بودن خبر فرستادن او برای نماز جماعت است.

ولی از آن جایی که مسئله نماز ابوبکر از مهم ترین دلایل های آنان بر امامت اوست، برای همین ناچارند بودن او را در لشکر اسامه انکار کنند و حال آن که وجود ابوبکر در لشکر اسامه انکارناپذیر است.

اکنون به عنوان نمونه فقط یک عبارت را در این مورد نقل می کنیم:

حافظ ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری بشرح البخاری می گوید: روایت حضور ابوبکر در لشکر اسامه را واقدی، ابن سعد، ابن اسحاق، ابن جوزی، ابن عساکر و دیگران نقل کرده اند (۱).

پس زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند اسامه در بیرون مدینه در لشکرگاه خود به سر می برد و آن گاه که ابوبکر بر اوضاع مسلط شد، اسامه با او بیعت نکرد و گفت: من امیر ابوبکر هستم چگونه با او بیعت کنم. بر همین اساس ابوبکر از اسامه اجازه گرفت که عمر در مدینه بماند تا در تدبیر امور به او کمک کند.

شواهد داخلی و خارجی گویای این است که خبر فرستادن ابوبکر برای نماز دروغ و خلاف واقع است. ولی ما به همین مقدار بسنده نمی کنیم، بلکه می افزاییم که علی علیه السلام همچنین اهل بیت علیهم السلام اعتقاد داشتند که آمدن ابوبکر برای نماز به امر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست، بلکه عایشه او را فرستاده است.

ابن ابی الحدید معتزلی در این مورد می گوید: از استادم درباره این واقعه سؤال کردم که آیا شما می گوئید که عایشه پدرش را برای نماز معین کرده و رسول خدا صلی الله علیه و آله او را تعیین نکرده است؟

گفت: من چنین سخنی را نمی گویم ولی علی اعتقادش چنین بود و تکلیف او غیر از تکلیف من است چرا که او در آن جا حاضر بود، ولی من حضور نداشتم.

ما در این بررسی به همین مقدار نیز بسنده نمی کنیم بلکه می گوئیم:

اگر بپذیریم کسی که به ابوبکر چنین دستور داده رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است، باز هم نمی تواند دلیلی بر این مدعا باشد، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله در طول عمر شریفش به بسیاری از اصحاب خود امر می کرد که در مسجد و محل عبادت ایشان با مردم نماز بخوانند و هیچ کس با نماز خواندن آن صحابی در محراب رسول خدا صلی الله علیه و آله ادعای امامت او را نکرده است.

شاید کسی بگوید که خواندن نماز در پایانی ترین لحظات زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با نمازهای دیگر فرق می کند، البته اهل سنت نیز بین این نمازها چنین فرقی را قائل شده اند و گفته اند که این نماز با این خصوصیت که در پایان عمر شریف آن حضرت بوده است، نوعی اعلام به منصوب بودن ابوبکر برای امامت بعد از ایشان می باشد.

در پاسخ این مطلب، واقع قضیه را برای حق جوینان بازگو می کنیم و می گوئیم:

اگر چنین باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله به نماز امر کرده است، ما روایات زیادی داریم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود با آن حال بیماری از منزل خارج شد و در حالی که زیر بغل های ایشان را گرفته بودند و پاهای مبارکش روی زمین کشیده می شد، به محراب آمد و ابوبکر را کنار زد و خود با مردم نماز خواند.

اهل سنت در پاسخ می گویند: ابوبکر مدتی بود که در مکان پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می خواند و رسول خدا صلی الله علیه و آله فقط یک مرتبه او را کنار زد و خود نماز خواند.

ما این موضوع را از دو جهت پاسخ می دهیم و می گوئیم:

۱- ابوبکر فقط یک مرتبه در محراب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفت و آن هم در نماز صبح روز دوشنبه بود. پس همین یک نماز بیشتر نبوده است.

۲- بر فرض این که ابوبکر نمازهای زیادی در مکان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خوانده باشد این عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین روز عمرش و بیرون آمدنش با چنین حالی که پاهای مبارکش روی زمین کشیده می شد، دلیل محکمی است که اگر در گذشته او را به امامت نصب کرده بود و این امر صحت داشت اکنون او را عزل و برکنار کرده است.

بنا بر این اگر بپذیریم که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین دستوری داده است، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله می دانست که آن ها بعد از وفاتش به همین نماز استدلال خواهند کرد و آن را دلیل محکمی برای خلافت و امامت ابوبکر خواهند دانست، لذا در حال بیماری از خانه بیرون آمد تا این توهم را از ذهن های مردم پاک سازد.

مطلب خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله از بستر بیماری و کنار زدن ابوبکر، در همه روایاتی که - به پندار آن ها - ابوبکر به امر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نماز رفته است وجود دارد. (۱) فتح الباری: ۸ / ۱۲۴.

## نکته های قابل توجه در این روایات

نکته های قابل توجه در این روایات

در بررسی این روایات نکته های قابل توجهی وجود دارد که اینک بیان می نمایم:

نکته اول: آن سان که گفته شد راوی همه این روایات عایشه است، طبق بیان آن ها رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی از منزل بیرون آمد که به دو تن تکیه کرده بود و پاهای مبارکش به زمین کشیده می شد. حضرتش با این حال وارد مسجد شد و ابوبکر را از محراب کنار زد و خود با مردم نماز خواند.

خارج شدن رسول خدا صلی الله علیه و آله با حال بیماری دلیل محکمی است که اگر در گذشته مقامی به ابوبکر داده بود، اینک او را از آن مقام برکنار نموده است.

در این روایات عایشه نام یکی از آن دو نفری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کمک آن ها به مسجد آمدند، ذکر کرده است و از نفر دوم نامی به میان نیاورده است.

بدیهی است که نفر دوم همان علی علیه السلام بوده و همین انکار نشانگر این است که عایشه از بردن نام علی و بیان فضیلت های او ناراحت بوده است.

ابن عباس به راوی گفت: آیا عایشه نام نفر دوم را برای تو ذکر کرد؟ گفت: نه.

ابن عباس گفت: آن شخص علی بود، ولی عایشه دوست ندارد علی را به خیر و خوبی یاد کند.

نکته دوم: وقتی برخی اهل سنت متوجه شدند که خارج شدن رسول خدا صلی الله علیه و آله در شرایط بیماری و کسالت، و کنار زدن ابوبکر و نماز خواندن آن حضرت با مردم، اساس استدلال به امامت ابوبکر را مخدوش خواهد کرد، حدیثی را جعل کردند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابوبکر را کنار زد، بلکه آن حضرت با چنین حالی وارد مسجد شد و پشت سر ابوبکر به نماز ایستاد. آنان با این حدیث ساختگی قضیه خلافت ابوبکر را ثابت و تقویت کردند، به عبارت دیگر: رسول خدا صلی الله علیه و آله همان گونه که با زبان، ابوبکر را به نماز خواندن امر کرد، در مقام عمل نیز او را به عنوان امام بعد از خود نصب نمود، زیرا با آن حالت بیماری به مسجد آمد و پشت سر ابوبکر نماز خواند.

حال با این حدیث چه کسی می تواند در امامت ابوبکر و خلافت او بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله مناقشه کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او اقتدا کرده است؟ آیا این کافی نیست که دلیل محکمی بر امامت ابوبکر باشد؟

آری، آنان با جعل احادیث دروغین و ساختگی می توانند بگویند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین نمازش به ابوبکر اقتدا کرده است، ولی این بخش از حدیث در صحیح مسلم و صحیح بخاری وجود ندارد و آن چه که در این دو کتاب آمده است این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوبکر را کنار زد - یا خود ابوبکر کنار رفت و پشت سر ایستاد - و شخص پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با مردم نماز خواند.

این حدیث ساختگی در مسند احمد وجود دارد و به طور قطع دروغ است و بسیاری از بزرگان و حافظان اهل سنت نیز آن را تکذیب کرده اند، تا جایی که برخی از آن ها همچون حافظ ابی الفرج ابن جوزی در بطلان حدیث اقتدا کردن پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوبکر کتاب مستقلی نوشته اند (۱).

به راستی آیا عقل می پذیرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یکی از افراد امتش اقتدا کند و او امام بر پیامبر صلی الله علیه و آله باشد؟! بدیهی است که عقل هرگز این مطلب را نمی پذیرد.

نکته سوم: رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از این که برای نماز از منزل خارج شد و ابوبکر را کنار زد و خود با مردم نماز خواند به این مقدار اکتفا نکرد بلکه بعد از نماز بر فراز منبر قرار گرفت و خطبه ای برای مردم ایراد نمود و در این خطبه قرآن و اهل بیت علیهم السلام را معرفی کرد و به مردم امر نمود که از آن ها پیروی کنند و در کارهای خود به آنان اقتدا نمایند.

بنا بر این آمدن رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نماز و کنار زدن ابوبکر از محراب نماز برای این بود که در این لحظات پایانی عمر خویش نیز با ایراد سخنانی در مورد اهل بیت خود به مردم وصیت کند و مجدداً امام بعد از خود را معرفی نماید. حضرتش پس از پایان خطبه به همه مسلمانان امر فرمود که همراه اسامه از مدینه بیرون روند و تأکید زیادی داشت که مردم به لشکر اسامه پیوندند و در این امر شتاب کنند.

به راستی پس از این دلایلی که گفته شد باز هم راهی برای استدلال به حدیث مقدم شدن ابوبکر برای نماز باقی می ماند. (۱) حافظ ابوالفرج ابن جوزی حنبلی (در گذشته سال ۵۹۷) در ردّ معاصر خود حافظ عبدالغیث حنبلی رساله ای نگاشته و آن را به نام «آفة اصحاب الحدیث فی الردّ علی عبدالغیث» نام نهاده است. این کتاب در حدود ۲۰ سال پیش توسط نگارنده تحقیق و برای نخستین بار چاپ و منتشر شد.

## نقد و بررسی دلیل هفتم

نقد و بررسی دلیل هفتم

هفتمین دلیل آن‌ها فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله است که: «بهترین امت من ابوبکر و عمر هستند».

این حدیث را با همین عبارت قاضی ایجی و شارح آن و دیگران روایت کرده‌اند، ولی این حدیث چنین نیست، بلکه ادامه‌ای دارد، ولی آن‌ها دنباله آن را ذکر نکرده‌اند تا بتوانند استدلالشان را تمام کنند. متن کامل حدیث این گونه است:

«عن عائشة قلت: یا رسول الله! من خیر الناس بعدک؟»

قال: ابوبکر.

قلت: ثم من؟

قال: عمر.

«عایشه می‌گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتم: ای رسول خدا! بعد از شما بهترین مردم چه کسی است؟ فرمود: ابوبکر.»

گفتم: پس از او چه کسی بهترین امت شماست؟

فرمود: عمر.

این همان بخش از حدیث است که اهل سنت به آن استدلال کرده‌اند، ولی در آن مجلس حضرت زهرا سلام الله علیها نیز حضور داشت و ایشان از پدر بزرگوارش سؤال کرد: ای رسول خدا! چرا درباره علی چیزی نفرمودید؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«یا فاطمة! علی نفسی، فمن رأیته یقول فی نفسه شیئاً؟».

«ای فاطمه! علی به منزله جان من است، تو چه کسی را دیده‌ای که درباره خودش سخنی بگوید».

پس اهل سنت به بخش اول این حدیث به خاطر این که نام ابوبکر و عمر آمده است، استدلال می‌کنند و آن را دلیل بر امامت آن‌ها می‌دانند، ولی دنباله حدیث را ساقط کرده و گویا نمی‌دانستند که روزی کسی به این حدیث نگاه خواهد کرد و تمام روایت را خواهد دید و به منابع آن دسترسی خواهد یافت.

با همه این سخنان، این حدیث از جهت سند ضعیف است، برای آگاهی از این موضوع می‌توانید به کتاب تنزیه الشریعة المرفوعة عن الاحادیث الشنیعة الموضوعة<sup>(۱)</sup> مراجعه کنید. (۱) تنزیه الشریعة المرفوعة عن الاحادیث الشنیعة الموضوعة: ۱ / ۳۶۷.

## نقد و بررسی دلیل هشتم

نقد و بررسی دلیل هشتم

دلیل هشتم آن‌ها حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود:

«لو كنت متخذاً خلیلاً دون ربی لاتخذت ابابکر».

«اگر من غیر از پروردگارم کسی را به عنوان دوست انتخاب می‌کردم، البته ابوبکر را دوست خود قرار می‌دادم».

در جواب این حدیث کافی است بگوییم که اگر این حدیث درباره ابوبکر آمده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را دوست خود قرار داده است، پس درباره حدیث عثمان چه بگوییم که خود اهل سنت روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق عثمان نیز چنین فرموده است، و او را به عنوان دوست خود برگزیده است، در واقع در حدیث مربوط به ابوبکر آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اگر»، ولی در حق عثمان آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله او را دوست خود قرار داده است و متن آن چنین است:

«ان لكل نبي خلیلاً من أمته وإن خلیلی عثمان بن عفان».

«هر پیامبری از میان امتش یک نفر را به عنوان دوست خود قرار می داد و همانا دوست من عثمان بن عفان است».

بنا بر این طبق این حدیث، عثمان برتر از ابوبکر می شود.

آری، اعتقاد نگارنده نیز بر این است که بر اساس مدارک اهل سنت عثمان از ابوبکر و عمر برتر است، چون در کتاب های خودشان احادیثی در مناقب عثمان آورده اند که گویای این مطلب است از جمله همین حدیثی که بیان شد، ولی تمام این احادیث - مثل حدیثی که گذشت - باطل و بی اساس هستند (۱). (۱) تنزیه الشریعه المرفوعه عن الاحادیث الشنیعه الموضوعه: ۱ / ۳۹۲.

### نقد و بررسی دلیل نهم

نقد و بررسی دلیل نهم

نهمین دلیل آن ها سخنان رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره ابوبکر است که فرمود:

«واین مثل ابی بکر کذبنی الناس وصدقنی وآمن بی و... و واسانی بنفسه وجاهد معی ساعه الخوف».

«کجا همانند ابوبکر پیدا می شود در زمانی که مردم مرا تکذیب می کردند او مرا تصدیق کرد و به من ایمان آورد و... و با جان و مالش مرا یاری کرد و در ساعت تنهایی و ترس در جبهه جنگ در کنار من می جنگید».

سیوطی در کتاب اللالی المصنوعه بالأحادیث الموضوعه (۱) و حافظ ابن عرق نویسنده کتاب تنزیه الشریعه (۲) در کتابشان این حدیث را از حدیث های ساختگی و دروغین شمرده اند.

این حدیث از جهت دلالت هم گویای این مطلب است که ابوبکر از اموالش به رسول خدا صلی الله علیه وآله می بخشید و از اموال شخصی خود به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می داد و رسول خدا صلی الله علیه وآله به مال ابوبکر و بخشش او نیازمند بود.

بدیهی است که این هم از قضایای دروغین است به گونه ای که ساختگی بودن آن به حدی است که افرادی همانند ابن تیمیه را وادار کرده است که به دروغ بودن آن تصریح کنند (۳) و رسول خدا صلی الله علیه وآله نیازی به اموال ابوبکر نداشت.

آری، جعل کنندگان احادیث این چنین فضایل و مناقب می تراشند تا آن جا که حاضر می شوند به رسول خدا صلی الله علیه وآله اهانت کنند.

بنا بر آن چه بیان شد، دروغ بودن این حدیث از نظر سند و دلالت ثابت شد. (۱) اللالی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه: ۱ / ۲۹۵.

(۲) تنزیه الشریعه المرفوعه: ۱ / ۳۴۴.

(۳) منهاج السنه: ۴ / ۲۸۹.

### نقد و بررسی دلیل دهم

نقد و بررسی دلیل دهم

دلیل دهم آن ها روایتی است که از علی علیه السلام در فضیلت ابوبکر و عمر نقل کرده اند. در آن روایت آمده است:

«خیر الناس بعد النبیین ابوبکر ثم عمر ثم الله أعلم».

«بعد از پیامبران بهترین مردم ابوبکر و پس از او عمر هستند و بعد از آن دو، خداوند آگاه تر است».

این روایت تنها به این متن نقل نشده است، بلکه آن ها این روایت را به متن های دیگری هم درباره ابوبکر و عمر نقل کرده اند.

ما به این روایت دو گونه پاسخ می دهیم:

۱ - ابوبکر خود اعتراف می کرد که بهترین مردم نیست آیا او نمی گفت: من بر شما ولایت پیدا کردم، ولی بهتر از شما نیستم؟ (۱)



یا چنین نمی گفت:

«أقيلوني فلست بخير كم».

«در امر خلافت از من صرف نظر کنید، چون من بهترین شما نیستم».

این روایت نیز در منابع بسیاری نقل شده است (۲).

۲- نویسنده کتاب الاستیعاب، در شرح حال امیر مؤمنان علی سلام الله علیه، ابن حزم در کتاب الفصل فی الملل والنحل و افراد دیگری از بزرگان حافظان اهل سنت گفته اند: گروه بسیاری از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله علی را بر ابوبکر فضیلت و برتری می دادند (۳).

پس اگر خود امیر مؤمنان علی علیه السلام اعتراف می کند که ابوبکر و عمر از او برتر هستند پس چگونه اصحاب، علی را بر آن دو برتری می دادند؟

آری، آنان نام برخی از کسانی را ذکر کرده اند که می گفتند: علی علیه السلام برتر است از ابودر، سلمان، مقداد، عمار و... از آن گروهند. با این حال علی علیه السلام اعتراف می کند که ابوبکر و عمر از او برترند (!! این ها روایاتی هستند که به دروغ بر امیر مؤمنان علی علیه السلام نسبت داده شده است.

بنا بر این، ما از میان استدلال های اهل سنت دلیلی که از طعنه و اشکال خالی باشد و هیچ شبهه و ایرادی در آن نباشد، پیدا نکردیم. همه دلیل هایی که آورده اند - طبق منابع آن ها و بر اساس سخنان دانشمندانشان - یا از جهت سند ضعف دارد و یا از جهت دلالت، تمام و کامل نیست.

از این رو، این احادیث از حدیث های ساختگی و جعلی است که به اعتراف خودشان اساس و بنیانی ندارند، به ویژه حدیثی که می گوید: «بعد از من به ابوبکر و عمر اقتدا کنید».

کوتاه سخن این که مهم ترین دلیل آن ها، قضیه نماز ابوبکر است که می گویند: نماز ابوبکر در حال حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله بر امامت او دلالت می کند و ولی بر اساس مطالبی که گفته شد رسول خدا صلی الله علیه و آله او را از محراب کنار زد و خودش با مردم نماز خواند. صحت این مطلب در صورتی قابل استناد است که خبر فرستادن ابوبکر برای نماز نیز صحیح باشد.

افزون بر این که درباره امامت ابوبکر و عمر باید از ناحیه دیگری نیز بحث شود و آن این که در امامت آن دو جریان هایی وجود دارد که مانع امامت آن ها بر مسلمانان می شود. این جریان ها بسیارند و در کتاب های بسیاری ذکر شده اند، ولی روش ما چنین نیست که متعرض این روایات شویم. (۱) الطبقات الکبری: ۳ / ۱۳۹.

(۲) مجمع الزوائد: ۵ / ۱۸۳، سیره ابن هشام: ۲ / ۶۶۱، تاریخ الخلفاء: ۷۱.

(۳) الاستیعاب: ۳ / ۱۰۹۰، الفصل فی الملل والنحل: ۴ / ۱۸۱.

## بخش چهارم: نقد و بررسی دلیل اجماع

### نقد و بررسی دلیل اجماع بر خلافت ابوبکر

بخش چهارم

نقد و بررسی دلیل اجماع نقد و بررسی دلیل اجماع بر خلافت ابوبکر

تنها دلیل اهل سنت بر خلافت ابوبکر که در این کتاب تا کنون از ترازوی نقد و بررسی ایمن مانده است اجماع یعنی اتفاق اصحاب بر خلافت ابوبکر است.

دانش پژوهان حق جو از چگونگی این دلیل نیز به خوبی آگاهند، که اجماع بر خلافت ابوبکر چگونه اتفاق افتاده است، و مناسب نیست که در این بحث وارد شویم، چون به ناچار به بیان جریان‌هایی کشیده می‌شود که این نوشتار گنجایش بیان آن‌ها را ندارد. ولی به مقداری که این نوشتار اقتضا می‌کند به بررسی و نقد آن می‌پردازیم، و با این پرسش آغاز می‌کنیم:

به راستی آن‌ها چه اجماع و اتفاق را بر امامت ابوبکر ادعا می‌کنند؟

اینان می‌گویند: قضایایی در سقیفه رخ داد که گروهی در آن جا جمع شدند و با ابوبکر به عنوان خلیفه بیعت کردند و او را روی کار آوردند (۱).

درباره این دلیل، سخن صاحب شرح المقاصد از بزرگان علم کلام کافی است که می‌گوید:

ما وقتی که می‌گوییم بر امامت ابوبکر اجماع و اتفاق داریم، ادعای اجماع حقیقی و واقعی نمی‌کنیم چرا که مدعی هستیم بر خلاف ابوبکر هم عده‌ای اتفاق داشتند. و چنین نیست که همه مردم راضی به امامت ابوبکر بودند، بلکه امامت او در حقیقت بعد از اختلاف بین مهاجرین و انصار و القای کشمکش بین انصار اوس و خزرج، و تنها با بیعت عمر در سقیفه آغاز شد (۲). و اشاره به این مطلب کافی است.

ولی اهل سنت با این که می‌دانند گروه زیادی با خلافت ابوبکر موافق نبودند در مراجعه به کتاب‌هایشان می‌گویند: بهتر است که از سخن گفتن در چنین اموری پرهیز کنیم، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد مسائلی که بین اصحاب رخ خواهد داد به سکوت امر فرموده است لذا نیازی به مطرح کردن این گونه امور نیست.

در این جا مناسب است که متن کلام سعد تفتازانی را در کتاب شرح المقاصد نقل کنیم تا ببینید که چگونه به اضطراب افتاده‌اند و به کجا پناه برده‌اند.

سعد تفتازانی چنین می‌گوید:

تمامی دانشمندان مسلمان بر امامت ابوبکر اتفاق نظر دارند و با گمان نیکو به آنان، چنین استفاده می‌شود که اگر به این امر با دلیل‌های روشن معرفت پیدا نمی‌کردند، هرگز همه آن‌ها بر امامت ابوبکر اتفاق نظر نداشتند (۳).

ما در پاسخ او چنین می‌گوییم:

اگر در امامت ابوبکر چنین بگوییم ناچار باید به خاطر گمان نیکو به اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله از ایشان تقلید کنیم و اگر بحث تقلید به میان آید، دیگر چه نیازی است که خود را به زحمت انداخته و با بررسی آیات قرآن و روایات این مسئله را مورد بحث و گفت و گو قرار دهیم، بلکه از همان ابتدا می‌گوییم: در این امر از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله تقلید می‌کنیم، و آن‌ها چنین کردند ما هم به پیروی از آنان راه ایشان را ادامه می‌دهیم.

تفتازانی در ادامه می‌گوید:

باید احترام اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله حفظ شود و از طعن و تنقیص آن‌ها خودداری گردد و باید حدیث‌هایی که به گونه‌ای نقصی را برای آنان ثابت می‌کند توجیه کرد، و آن‌ها را به غیر ظاهر تأویل نمود و آن حدیث را در ویژه مواردی که به مهاجران و انصار مربوط می‌شود توجیه کنیم (۴). (۱) البته ما در این مورد در پژوهشی به نام «نقش شوری در امامت» درباره شوری سخن گفته‌ایم.

(۲) رجوع شود به: شرح المقاصد: ۵ / ۲۵۴ - ۲۶۷.

(۳) شرح المقاصد: ۲ / ۲۹۸.

(۴) شرح المقاصد: ۲ / ۳۰۳.

سخن تفتازانی درباره دلایل امامیه

سعد تفتازانی در کتاب خود سخن امامیه را نقل می‌کند و می‌گوید: آن‌ها می‌گویند که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله امامی جز علی نیست، زیرا امام دارای شرایطی از قبیل معصوم بودن از گناه، سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله و برتر بودن نسبت به همگان است، و در هیچ کدام از اصحاب چنین شرایطی دیده نشده است.

وی پس از نقل این گفتار، به بزرگ امامیه شیخ محقق خواجه نصیرالدین طوسی و دانشمندان دیگر امامیه هجوم برده و به ساحت آن‌ها بی ادبی و جسارت می‌کند. اکنون عین عبارت او را نقل می‌کنیم تا حقیقت جویان از میزان فهم و درک و ادب آن‌ها آگاه شوند، و سپس این کلام را با سخنان علمای شیعه مقایسه کنند.

سعد تفتازانی چنین می‌گوید:

«احتجّت الشیعة بوجوه لهم فی إثبات إمامة علی بعد النبی من العقل والنقل، والقدرح فیما عدها من أصحاب رسول الله الذین قاموا بالأمر. ویدعون فی کثیر من الأخبار الواردة فی هذا الباب التواتر، بناء علی شهرته فیما بینهم، وکثرة دورانه علی ألسنتهم، وجریانه فی أندیتهم، وموافقته لطباعهم، ومقارعتة لأسماعهم.

ولا یتأملون کیف خفی علی الکبار من الأنصار والمهاجرین، والثقات من الرواة والمحدثین، ولم یحتجّ البعض علی البعض، ولم یرموا علیه الإبرام والنقض.

ولم ینظر إلا بعد انقضاء دور الإمامة وطول العهد بأمر الرسالة، وظهور التعصبات الباردة، والتعصبات الفاسدة، وإفضاء أمر الدین إلی علماء السوء، والملك إلی أمراء الجور، ومن العجائب أن بعض المتأخرین من المتشغیین، الذین لم یروا أحداً من المحدثین ولا رووا حدیثاً فی أمر الدین، ملؤوا کتبهم من أمثال هذه الأخبار والمطاعن فی الصحابة الأخیار، وإن شئت فانظر فی کتاب التجرید المنسوب إلی الحکیم نصیر الدین الطوسی، کیف نصر الأباطیل وقّر الأكاذیب . . .» (۱).

شیعه در اثبات امامت علی با دلیل های عقلی و روایی به چند وجه اقامه دلیل کرده است و به تمام کسانی که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله امر امت را به دست گرفتند طعنه وارد کرده و درباره آنان عیب‌ها و نقص های زیادی گرفته اند، حتی در بسیاری از حدیث هایی که در این زمینه وارد شده ادعای تواتر می‌کنند.

چرا که این احادیث در میان آن‌ها شهرت پیدا کرده و در همه زمان‌ها این روایات بر سر زبان‌هایشان بوده و با طبیعت درونی آن‌ها هماهنگی داشته و همواره این طعن‌ها و ایرادها را می‌شنیدند، ولی هرگز فکر نمی‌کردند که چگونه این عیب‌ها از بزرگان مهاجر و انصار و روایت کنندگانی که مورد اطمینان همه بوده اند مخفی مانده، و هیچ کدام از آن‌ها بر دیگری دلیل نیاورده و چیزی که دلالت بر درست یا نادرست بودن آن روایات باشد را بیان نکرده اند.

این طعنه‌ها و عیب‌ها از زمانی آغاز شد که دوران امامت آنان گذشت و سرسختی های بی ارزش و کج روی های باطل آشکار شد و امر دین به دانشمندان بدکردار، و ریاست بر مردم به پادشاهان ستم کار کشیده شد.

خیلی عجیب است که یکی از دانشمندان آن‌ها - که اهل فتنه و آشوب بوده و از کسانی است که گویا هیچ یک از گویندگان حدیث را ندیده و هیچ حدیثی در دین روایت نکرده است - کتاب هایش را از این گونه روایت‌ها و خبرهایی که به اصحاب خوب رسول خدا صلی الله علیه و آله طعنه و ایراد وارد کرده پر نموده است. حال اگر می‌خواهی به کتاب التجرید - که نوشته نصیرالدین طوسی است - نگاه کن ببین چگونه از اباطیلی حمایت کرده و دروغ هایی را مقرر نموده است . . .» (۱) شرح المقاصد: ۲ / ۲۸۷.

## نقد سخن تفتازانی

در پاسخ تفتازانی می‌گوییم:

ما از تفتازانی سپاسگزاریم که به همین مقدار ناسزا و ناروا گفتن به خواجه نصیرالدین طوسی رحمه الله اکتفا کرد، چرا که ابن تیمیه به خاطر این که آن دانشمند نامی در کتاب التجرید از کتاب های اهل سنت بر امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام دلیل آورده، نسبت هایی به او داده است که هیچ مسلمانی در حق پست ترین مردم آن گونه سخن نمی گوید، و گناهان بزرگی به او نسبت داده که گفتنی نیست (۱). (۱) یادآوری می شود که ما تحقیقی در این موضوع به نام «از افتراءات ابن تیمیه» انجام داده ایم.

## کلام آخر

## کلام آخر

اصل این موضوع از این قرار است که ما - در برخی از مجلدات سلسله پژوهش های اعتقادی - بر امامت علی علیه السلام از کتاب های اهل سنت دلیل اقامه کرده ایم و از کتاب های خودشان صحیح بودن آن دلیل ها را بیان نموده ایم و تمام استدلال خود را با کمال ادب و متانت مطرح کرده و به هیچ یک از دانشمندان اهل سنت ناسزا و بی ادبی نکرده ایم. امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام را با سفارش و حدیث معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و معصوم بودن ایشان، و برتری آن حضرت را نسبت به تمام اصحاب ثابت کرده ایم.

تمام این استدلال ها را از کتاب های خود اهل سنت و نظریات دانشمندان آن ها و معروف ترین کتاب های ایشان بازگو کردیم و هرگز ناسزا و سرسختی بی جا و کج روی نداشتیم.

آن گاه در کتاب حاضر دلیل های خود اهل سنت در امامت ابوبکر را مورد بررسی قرار دادیم که گفته بودند: سفارش و حدیث جداگانه ای از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره نداریم؛ دربارہ اجماع و اتفاق هم - با سختی و ناچاری - اعتراف کردند که چنین اتفاقی واقع نشده است.

مهم ترین دلیل آن ها را نیز که برتر بودن ابوبکر از همه اصحاب بود بررسی نمودیم و از یکایک کتاب های خودشان ناتمام بودن آن را بیان کردیم.

به راستی گناه ما چیست که دلیل آن ها بر امامت ابوبکر ناتمام، و دلیل امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام بر امامتش از کتاب های آن ها تمام است؟

چرا آنان از حقیقت بحث نمی کنند؟

چرا حقیقت و واقعیت تلخ می شود؟

برای چه به ناسزاگویی پناه می برند؟

چرا علمای شیعه را مورد هجوم سخنان خود قرار می دهند؟

آیا دشنام ها و شماتت ها، کشتارها و زندانی کردن دانشمندان شیعه از آغاز تا کنون برای آن ها کافی نیست؟

تا کی می خواهند به این گونه رفتار ادامه دهند؟

چرا چنین رفتار می کنند؟

ما می خواهیم از حقیقت بحث کنیم و بدانیم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله به چه کسی اقتدا کنیم تا او را در اعتقادات و مشکلات علمی و احکام و دستورات واسطه بین خود و خدا قرار دهیم.

ما می خواهیم واقعیت امر را برای خود روشن کنیم تا به پروردگار خود چنین بگوییم:

خدایا! ما در دلیل‌ها دقت کردیم و جویای حقیقت شدیم و به این نتیجه رسیدیم که این شخص امام و پیشوای ما بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله است و به وسیله این پیشوای معصوم می‌توانیم به تو نزدیک شویم و ارتباط برقرار کنیم. امیدواریم همین تحقیق ما عذر پذیرفته شده‌ای در پیشگاه خداوند سبحان باشد.

بنا بر این، آن چه نقد و بررسی شد برای دوستی و دشمنی نبود، هیچ غرضی از مطرح کردن این سخنان نداریم و نیازی هم به ناسزا گفتن و دشنام دادن نمی‌بینیم.

راستی با این حال، تا کی حقیقت تلخ خواهد بود؟

تا کی حق را نخواهند پذیرفت و از آن پیروی نخواهند کرد؟

برای چه ناسزا می‌گویند؟ آیا جز افراد پست و نادان، این گونه سخن می‌گویند؟

از خداوند سبحان می‌خواهیم به ما توفیق دهد تا خشنودی او را فراهم آوریم. از حضرت باری تعالی می‌خواهیم ما را هدایت کند تا حقیقت‌ها را درک کرده و به آن عمل کنیم و پیرو حق و حقیقت باشیم. از او می‌خواهیم در روز ملاقات با او و به هنگام رو به رو شدن با رسول خدا صلی الله علیه وآله صورت‌هایمان را نورانی و سفید گرداند. صلوات و درود خدا بر حضرت محمد صلی الله علیه وآله و خاندان پاک آن حضرت باد.

### کتاب نامه

کتاب نامه

۱. قرآن کریم.

حرف «الف»

۲. الإستیعاب: ابن عبدالبرّ، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۳. أسنی المطالب فی أحادیث مختلفه المراتب: ابن درویش حوت، مکتبه التجاریه الکبری، مصر، چاپ اول، سال ۱۳۵۵.

حرف «ت»

۴. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، سال ۱۴۱۷.

۵. تاریخ الخلفاء: جلال الدین سیوطی، منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۶. تاریخ مدینه دمشق: ابن عساکر، دار الفکر، بیروت، سال ۱۴۱۵.

۷. تلخیص المستدرک: ذهبی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۸. تهذیب التهذیب: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۹. تنزیه الشریعه المرفوعه عن الأحادیث الشنیعه الموضوعه: ابن عزّاق کنانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۱.

حرف «س»

۱۰. سنن ترمذی: ترمذی، دار الفکر، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

۱۱. سیره ابن هشام: ابن هشام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

حرف «ش»

۱۲. شرح المقاصد: تفتازانی، منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ اول، سال ۱۴۰۹ و دار المعارف نعمانیه، پاکستان، چاپ اول

سال ۱۴۰۱.

۱۳. شرح المنهاج: (مخطوط) عبری فرقانی.

۱۴. شرح المواقف: سید شریف الجرجانی و یلیه حاشیه السیالکوتی والحلبی، منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ اول، سال ۱۴۱۲.  
حرف «ص»
۱۵. صحیح بخاری: بخاری، دار الفکر، بیروت، سال ۱۴۰۱.  
۱۶. صحیح مسلم: مسلم نیشابوری، دار الفکر، بیروت.  
حرف «ض»
۱۷. الضعفاء الكبير: عُقَیْلِي، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.  
حرف «ط»
۱۸. الطبقات الكبرى: ابن سعد، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۸.  
حرف «ف»
۱۹. فتح الباری: ابن حجر، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۰.  
۲۰. الفصل فی الأهواء والملل والنحل: ابن حزم اندلسی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.  
۲۱. فیض القدير: مناوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.  
حرف «ک»
۲۲. الکامل: عبدالله عدی، دار الفکر، بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۰۹.  
۲۳. کنز العمال: متقی هندی، دار الرساله، بیروت، سال ۱۴۰۹.  
حرف «ل»
۲۴. اللآلی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۷ هـ.  
۲۵. لسان المیزان: ابن حجر عسقلانی، مؤسسه اعلمی بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۳۹۰.  
حرف «م»
۲۶. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.  
۲۷. المستدرک: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.  
۲۸. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل، دار احیاء التراث العربی و دار صادر، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.  
۲۹. المصنّف: ابن ابی شیبّه کوفی، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۰۹.  
۳۰. منهاج السنّه النبویه: ابن تیمیّه، مکتبه ابن تیمیّه، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.  
۳۱. میزان الاعتدال: ذهبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.  
۳۲. الموضوعات: ابن الجوزی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی  
جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل  
و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق  
روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-  
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده  
است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار  
شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،  
هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی  
اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از  
پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال،  
خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی  
همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش  
از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند  
آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

